

با توجه به شروع دوره جدید فعالیت مجمع تشخیص مصلحت نظام و اظهار نظر عده‌ای از مسؤولان و روشنفکران در مورد ترکیب و گرایش‌های فکری و سیاسی اعضای جدید، مطالب زیر را در مورد عملکرد مجمع تشخیص مصلحت عرضه می‌کنم.

۱- در اصل ۱۱۲ قانون اساسی وظیفه اصلی مجمع تشخیص مصلحت: «تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد»، نوشته شده است. بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی - که درباره وظایف و اختیارات رهبر می‌باشد - چنین می‌گوید:

«تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» و در بند ۸ همین اصل آمده است: «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» و در اصل ۱۷۷، در مورد بازنگری در قانون اساسی، آورده شده است: «مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی خطاب به رئیس جمهوری...».

۲- پس به طور خلاصه، وظایف مجمع تشخیص مصلحت به شرح زیر است:

تشخیص مصلحت درباره قانون‌های رد شده توسط شورای نگهبان، پاسخ به درخواست رهبری برای مشورت در تعیین سیاست‌های کلی نظام، کمک به رهبر در حل معضلات غیر عادی نظام و ارائه مشورت به رهبری برای بازنگری در قانون اساسی

۳- در مورد تشخیص مصلحت در قانون‌های رد شده توسط شورای نگهبان، تاکنون در بیشتر مواردی که به مجمع ارجاع شده است، محق بودن شورای نگهبان در رد قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی مورد قضاوت اعضای محترم

سیاست‌های کلی نظام و مجمع تشخیص مصلحت

تشخیص مصلحت قرار گرفته و کمتر شاهد بحث درباره چگونگی لزوم تشخیص مصلحت در تصویب قانون بوده‌ایم. انتظار می‌رفته است که مجمع محترم تشخیص مصلحت، پس از بحث اعضاء در مورد هر قانون رد شده توسط شورای نگهبان، دلایل وجود مصلحت برای تصویب یا عدم تصویب قانون را به اطلاع مردم برسانند.

۴- درباره پاسخ به درخواست رهبری برای تعیین سیاست‌های کلی نظام، بهتر آن بوده که رهبر محترم انقلاب ابتدا سیاست‌های کلی نظام را نام برده، نظرات خود را اعلام می‌فرمودند و آنگاه نظرات مشورتی مجمع تشخیص مصلحت را اخذ و پس از نهایی نمودن سیاست‌های کلی نظام، آن را برای اجرا به مسؤولان مربوط ابلاغ و طبق بند ۱۳ اصل ۱۱۰ بر حسن اجرای آن نظارت می‌فرمودند.

۵- ضرورت دارد که در ابتدا «سیاست‌های کلی نظام» تعریف شود و با توجه به این که «مجمع تشخیص مصلحت نظام» در قانون اساسی اولیه مصوبی ۱۳۵۸ بوده و در تغییرات سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی اضافه شده است، می‌توان با مراجعه به مذاکرات انجام یافته در جلسات مجمع منتخب مأمور اصلاح قانون اساسی، تعریف لازم را استخراج کرد. روش دیگر برای تعریف سیاست‌های کلی نظام ارجاع موضوع به شورای نگهبان، که مسؤولیت تفسیر قوانین در قانون اساسی را به عهده دارد، می‌باشد و یا می‌توان از مجلس شورای اسلامی خواست که در مورد اصل ۱۱۰ قوانین لازم را تصویب

کند تا موضوع سیاست‌های کلی نظام تبیین شود.

۶- آنچه تاکنون به عنوان سیاست‌های کلی نظام طرح شده است (از قبیل اینترنت، آب، اقوام و مانند آنها) دارای اشکالات زیر بوده است:

الف- چگونگی استفاده از اینترنت از وظایف وزارت پست و تلگراف و تلفن، چگونگی استفاده از منابع آب از وظایف وزارت نیرو و تعیین روش برخورد با اقوام مختلف ایران از وظایف وزارت کشور می‌باشد.

در هر یک از وزارتخانه‌های یاد شده، کارشناسان خبره‌ای برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت و بهره‌برداری برای طرح‌های مختلف یافت می‌شوند و در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز مدیریت‌های مستقلی وجود دارند که مسؤولیت برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت بر عهده آنان است. در مجلس شورای اسلامی نیز کمیسیون‌هایی برای قانون‌گذاری در زمینه‌های تخصصی پیش‌بینی شده است. لذا تعیین سیاست‌های کلی در رابطه با مقولاتی مانند آنچه در بالا اشاره شد، کاری تکراری و موازی با وظایف نهادهای ذی‌ربط و مسؤول به نظر می‌رسد.

ب- با در نظر گرفتن مشخصات و صفات مندرج در اصل ۱۰۹ قانون اساسی برای احراز رهبری، محدود بودن دانش هر یک از احاد ملت، گستردگی هر یک از شاخه‌های دانش و علوم تجربی، محدودیت دانش و اطلاعات اعضای تشخیص مصلحت نظام

و مهم‌تر از همه، دستور قرآنی «ولا تقف ما لیس لک به علم»، که اجازه نمی‌دهد انسان نسبت به اموری که اطلاع لازم درباره آنها ندارد اظهار نظر کارشناسی نماید، مباحث مطرح شده توسط آن مجمع به عنوان سیاست‌های کلی نظام قابل توجیه نیست.

ج- با توجه به این که وظایف و اختیارات هر یک از نهادها و یا مسؤولان کشور باید توأم و متناسب با مسؤولیت باشد، در مواردی که سیاستی توسط رهبر یا مجمع تشخیص مصلحت تدوین و برای اجرا به قوه مجریه ابلاغ می‌گردد، چنانچه اگر اجرای آن سیاست با شکست مواجه شود و کشور را دچار ضرر و زیان و منافع ملی را مخدوش کند، می‌بایست افرادی که چنان سیاستی را پیشنهاد، تدوین و تصویب نموده‌اند در برابر مردم یا نمایندگان آنها پاسخگو باشند. این امر مشکلات فراوانی برای مقامات تراز نخست کشور پدید خواهد آورد.

د- تاکنون سیاست‌های تدوین شده پیش از تصمیم‌گیری به اطلاع مردم و کارشناسان خبره کشور گذاشته نشده است تا مورد نقد و بررسی قرار گیرد و یا آثار مثبت و منفی اجرای آن در معرض داوری عموم قرار گیرد.

۷- به نظر نگارنده، سیاست‌های کلی نظام شامل اموری است که مستقیماً با منافع ملی کشور مرتبط بوده و در محدوده وظایف هیچ یک از قوای سه‌گانه تعریف نشده باشد و پیشنهاد می‌شود که مجلس محترم شورای اسلامی با تصویب قانونی نسبت به تبیین این اصل اقدام نماید.

۸- در مورد سایر وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام یعنی حل معضلات غیر عادی نظام و ارائه مشورت به رهبری در بازنگری قانون اساسی که تاکنون انجام نیافته است نیز ضرورت دارد که مجلس محترم شورای اسلامی قوانین مناسبی تصویب کند تا در آینده مشکلاتی در استفاده از این اصول به دلیل عدم شفافیت پدید نیابد.